

اخلاق انتشارات علمی

■ دکتر یزدان منصوریان^۱

دانشیار دانشگاه خوارزمی

زیرا هر یک از آنان باید با پایبندی به اصول اخلاقی پاسدار اعتماد و پشتوانه‌ای باشد که در طول قرن‌ها به دست آمده است. این مهم فقط زمانی میسر است که همه کسانی که در فرایند تولید، انتشار و تحصیل علم و دانش هستند، انسان‌هایی راستگو و درستکار باشند و اندیشه و قلم خود را در راه حفظ و اعتلاء ارزش‌های والای انسانی به کار گیرند. این پایبندی به اصول اخلاقی در تولید آثار علمی اهمیتی دوچندان دارد؛ زیرا هر اثر علمی که در قالب کتاب، مقاله، وبگاه اینترنتی یا گزارش همایش منتشر می‌شود، همچون سندی است که مورد استناد دیگران قرار می‌گیرد و قرار است حلقه‌ای در زنجیره تولید دانش بشری باشد؛ حلقه‌ای که ضمن پیوند با آثار پیشین خود سهم تازه‌ای در تولید دانش جدید داشته باشد و بر مجموعه موجود بیافزاید. بنابراین، درستی و اعتبار این اسناد بسیار مهم است و در تولید آن باید حقوق تمام ذینفعان از جمله نویسندگان آثار پیشین، ناشران، نویسندگان همکار، جامعه مورد مطالعه، نهادهای پشتیبان و در نهایت حقوق خوانندگان رعایت شود. خوشبختانه در سال‌های اخیر به این مهم توجه ویژه‌ای شده است، و در کنار همایش‌های متعدد آثار مفیدی نیز برای آموزش اصول اخلاق پژوهش و نگارش منتشر شده، که کتاب **اخلاق انتشارات علمی** - به قلم توانای دکتر عباس حرّی - یکی از جدیدترین و مفیدترین آثار در این زمینه است.

درباره نویسنده

دکتر عباس حرّی یکی از چهره‌های برجسته و بسیار تأثیرگذار در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور است که بیش از ۴۰ سال در عرصه آموزش، پژوهش و ترویج علم کوشیده است. دکتر حرّی استاد بازنشسته دانشگاه تهران و دانش‌آموخته مقطع دکتری از دانشگاه کیس وسترن امریکا است. در کارنامه درخشان ایشان فهرستی طولانی از فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و مدیریتی وجود دارد، که از آن جمله می‌توان به تألیف بیش از ۱۵ کتاب و ده‌ها مقاله، و سردبیری چند



■ حرّی، عباس. اخلاق انتشارات علمی. شیراز: پایگاه استنادی علوم جهان اسلام و انتشارات تخت جمشید، ۱۳۹۰. ۸۶ ص. شابک: ۳-۸۰-۵۴۵۷-۶۰۰-۹۷۸

مقدمه

یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هر جامعه علمی اعتبار و جایگاهی است که در طول زمان براساس صحت، درستی و سودمندی اطلاعاتی که منتشر می‌کند، به دست آورده است. معمولاً عموم مردم سخن دانشمندان و دانش‌پژوهان را می‌پذیرند و اغلب به درستی گفتار و رفتار آنان باور دارند. حتی در بسیاری از موارد دیده می‌شود که نوع گفتار و رفتار آنان سرمشق و الگوی بسیاری از طبقات اجتماعی قرار می‌گیرد؛ زیرا آنان جامعه علمی را متشکل از زنان و مردان صادق، درستکار و سخت‌کوشی می‌دانند که فارغ از سودجویی‌ها و مصلحت‌اندیشی‌ها در کار کشف حقایق و ارتقاء دانش و بینش جامعه هستند. در چنین شرایطی مسئولیت هر یک از اعضاء جامعه علمی - در هر رتبه و درجه‌ای و در کسوت استاد، پژوهشگر و دانشجو - مسئولیتی خطیر و سنگین است؛



هر اثر علمی که در
 قالب کتاب، مقاله،
 وبگاه اینترنتی یا
 گزارش همایش منتشر
 می شود، همچون
 سندی است که مورد
 استناد دیگران قرار
 می گیرد و قرار است
 حلقه‌ای در زنجیره
 تولید دانش بشری
 باشد

در صفحه پنج کتاب نویسنده با استناد به یکی از آثار پیشین خود (حزّی، ۱۳۶۳) می‌نویسد: «انگیزه نگارش را می‌توان در چند بیان کوتاه شامل موارد زیر دانست: طرح اندیشه یا مسئله‌ای نو، نگاهی نو به مسئله پیشین، شرح و تفسیر مطلبی که به ایجاز بیان شده و برای فهم آن می‌بایست گشوده شود، نقد اندیشه‌ای که قبلاً بیان شده و اکنون می‌بایست مورد تأمل قرار گیرد، تکمیل اندیشه‌ای که قبلاً بیان شده ولی به همه جوانب مسئله نپرداخته است، و مواردی از این نوع».

سپس، نویسنده به انگیزه‌های دیگری اشاره می‌کند که بیشتر مصلحت‌گرایانه است و می‌تواند زمینه‌ساز بی‌اخلاقی در نگارش شود. انگیزه‌هایی مثل کسب امتیازهای آموزشی و غیره که خود منجر به افزایش روزافزون انتشارات شده، که بسیاری از این انتشارات چیزی جز تکرار موضوع‌های پیشین نیست. پس از آن، نویسنده به دو مقوله ساختار و محتوای نوشته علمی می‌پردازد و به خوانندگان توصیه می‌کند برای دستیاب کردن آراء و اندیشه‌های خود نوشته‌هایشان را به گونه‌ای بنگارند که قابلیت درک و فهم آنها افزایش یابد. برای تحقق این امر نویسنده در صفحه شش، با استناد به یکی از آثار قبلی خود (حزّی، ۱۳۸۸) می‌نویسد: «نوشته علمی باید از طریق ترکیب درست کلمات، عبارات، جملات، بندها، فصل‌ها، تدابیر تصویری و جز آن بتواند بیان روشنی را عرضه کند، و در عین حال کل واحدی را نیز پدید آورد.» سپس ایشان به تفاوت میان ماهیت، اهداف و مخاطبان آثار گوناگون اشاره

مجله تخصصی اشاره کرد. سرپرستی و سرویراستاری جلد اول دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی و همکاری مستمر با بسیاری از نهادهای علمی و فرهنگی کشور، نظیر انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، انجمن ترویج علم ایران و فرهنگنامه کودکان و نوجوانان از دیگر خدمات ارزنده ایشان است. مروری بر آثار متعدد دکتر حزّی نشان می‌دهد که ایشان در فعالیت‌های علمی خود همواره دقیق و نکته‌سنج بوده‌اند و با نگاهی جامع و عمیق به امور پژوهشی پرداخته‌اند. به همین دلیل آثار ایشان - از جمله کتاب حاضر - همیشه خواندنی و آموزنده است و افق‌های تازه‌ای در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

معرفی کتاب

کتاب حاضر از دو بخش اصلی تشکیل شده است. بخش نخست آن پس از درآمدی مختصر به ۱۴ مقوله اصلی در زمینه مبانی اخلاق در نگارش و انتشارات علمی می‌پردازد. مقوله نخست در این بخش «اخلاق نگارش علمی» است، که در تبیین آن ابتدا نویسنده تفاوت بین وجه حقوقی و اخلاقی در نگارش را به اختصار تشریح می‌کند تا به خواننده یادآور شود هر چند قواعد و قراردادهای نگارش علمی از نظر حقوقی قابل طرح و پیگیری است؛ وجه غالب آن مبتنی بر میزان پایبندی نویسندگان آثار علمی به ارزش‌های اخلاقی است. در ادامه، «انگیزه‌های نگارش» به عنوان عاملی مهم در رعایت یا نادیده‌گرفتن اصول اخلاقی در انتشارات علمی مطرح می‌شود.

**قسمت‌های پایانی
 بخش دوم کتاب که
 به برگزیده‌ای از اخبار
 خبرگزاری‌ها در زمینه
 تقلب‌های رخ داده در
 انتشارات است، نیاز
 به توضیح و تفسیر
 نویسنده اثر دارد**

می‌کند و به خواننده یادآور می‌شود که در هنگام نگارش یک اثر باید تناسب مثلث «قالب، بستر و مخاطب» را رعایت کند، و در صفحه هفت می‌نویسد: «رعایت قواعد اخلاقی در ساختار نگارش علمی، با توجه به اصل تثلیث ایجاب می‌کند که (۱) تدوین اثر یعنی شیوه طرح بحث (چگونگی آغاز، گشودگی و استدلال در میانه کار و چگونگی عرضه نتایج)؛ (۲) کلام مناسب (واژگان، ساختار جمله‌ها و بندها)؛ و (۳) لحن مناسب (درجه سادگی زبان و بیان)؛ به دقت مورد توجه قرار گیرد». در ادامه، به محتوای نوشته علمی می‌پردازد و بر این اصل اساسی تأکید می‌کند که آنچه در آثار علمی عرضه می‌شود، یا باید حاصل پژوهش نویسنده اثر باشد یا بر بنیاد آثار و تتبعات دیگران استوار گردد تا از صحت و اعتبار لازم برخوردار باشد. در غیر این صورت تولیدات علمی به وادی شبه علم سوق پیدا می‌کند و وثوق و اعتبار خود را از دست می‌دهد. سپس، نویسنده به هشت نوع اصلی از تحریف در علم اشاره می‌کند، که عبارتند از: عدم کفایت داده‌ها و شواهد برای تعمیم؛ سهل‌گیری در برقراری رابطه علت و معلولی میان متغیرها؛ اشتباه در یافتن رابطه منطقی میان کل و جزء؛ تعریف یک مفهوم با اصطلاحات همان مفهوم بدون آنکه آن اصطلاحات قبلاً تعریف شده باشند؛ مقایسه غیرقابل دفاع دو پدیده؛ نتیجه‌گیری‌های نامرتب و شتابزده؛ فروگاهی اندیشه‌های رقیب؛ و در نهایت سوگیری به دلیل حمایت‌های مالی.

در ادامه بخش نخست کتاب، نویسنده مبحث مستقلی را به مقاله‌های علمی، انواع آن و مسائل مرتبط با انتشار مقاله‌های علمی اختصاص داده که حاکی از اهمیت این نوع انتشارات در تولید علم است. در تقسیم‌بندی این کتاب مقاله‌های علمی به پنج نوع اصلی تقسیم شده‌اند، که عبارتند از: مقاله‌های علمی پژوهشی، مقاله‌های علمی ترویجی، مقاله‌های علمی مروری، مقاله‌های دائره‌المعارفی و مقاله‌های همایش‌ها. تعریف موجز ولی مفید از این آثار و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها بسیار آموزنده است؛ مثلاً در صفحه ۱۲ کتاب و در تعریف مقاله علمی پژوهشی می‌خوانیم: «چنین مقاله‌ای برخاسته از پژوهشی نوین است که مؤلف خود انجام داده است. طرح اندیشه‌ای نو، بازپرسی از مسئله‌ای پیشین با رویکردی متفاوت، یا نقد علمی پژوهشی که قبلاً صورت گرفته ولی بخش یا بخش‌هایی از آن جای تأمل دارد». در رعایت نکات اخلاقی در چنین آثاری ایشان به خوانندگان توصیه می‌کند در حفظ حرمت اندیشه یا نگرش پیشینیان کوشا باشند، و در نگارش اثر خود رویکردی سپاس‌گونه به آثار قبلی اتخاذ کنند. توصیه ویژه کتاب درباره مقاله‌های ترویجی این است که نویسندگان این آثار از همه تدابیر زبانی و تصویری برای انتقال هرچه مطلوب‌تر اندیشه به مخاطبان بهره‌گیرند تا بتوانند زبان دشوار علمی را به زبانی سالم و مخاطب‌پسند تبدیل کنند. سپس، کتاب به تبیین ویژگی‌های مقاله‌های علمی مروری می‌پردازد، و یادآور

می‌شود که مقاله مروری تحلیل کلان و ارزیابی انتقادی آثاری است که قبلاً منتشر شده و پدیدآور چنین مقاله‌ای باید بتواند به کمک مقوله‌بندی، یکپارچه‌سازی، و ارزیابی این آثار سیر پیشرفت دانش در حوزه‌ای مشخصی را به روشنی ترسیم کند، و چگونگی رشد و بالندگی اندیشه‌ها را در حوزه مورد مطالعه نشان دهد. بر این اساس، نویسندگان مقاله‌های مروری باید در آن حوزه موضوعی متخصص و صاحب‌نظر باشند و با مطالعه مستمر آثار جدید دانش خود را در آن زمینه به‌روز نگه دارند و دقت کنند در خلال تدوین مقاله مروری خود هیچ حلقه‌ای از حلقه‌های انتقال اندیشه در طول زمان حذف نشود، که به باور نویسنده کتاب حاضر که به روشنی در صفحه ۱۴ منعکس شده است: «هرگونه حذف - به هر دلیل - در مسیر حرکت اندیشه‌ای خاص چیزی جز مسخ نقشه راه برای کشف و بازنمایی جریان علمی نیست و چنین حرکتی جفا به مولدان علم، جفا به مخاطبان، و جفا به ماهیت علم تلقی می‌شود».

«هم‌تألیفی»^۲ و مسائل مربوط به آن مبحث بعدی کتاب است، که در صفحات ۱۸ تا ۲۴ کتاب تبیین شده است. در این بخش از کتاب نکته‌های سودمندی درباره تعریف تألیف و وجوه مختلف آن ارائه شده است؛ مثلاً، نویسنده با استناد به دیدگاه «کمیته بین‌المللی ویراستاران مجلات پزشکی»^۳ تألیف را مبتنی بر سه شرط می‌داند. نخست آنکه، مؤلف باید مشارکت عمده‌ای در مفهوم‌سازی، طراحی، گردآوری داده‌ها، یا تحلیل و تفسیر داده‌ها داشته باشد. دوم آنکه، در تهیه نسخه مقدماتی اثر یا بازنگری انتقادی محتوای آن مشارکت کند. در نهایت، مؤلف باید در تأیید نهایی آخرین نسخه آماده چاپ نقش اساسی داشته باشد. همچنین، در این بخش نویسنده به معرفی دو مفهوم «مؤلف افتخاری»^۴ و «مؤلف شیخ یا مؤلف سایه»^۵ می‌پردازد، که آشنایی با این اصطلاحات برای خوانندگان مفید است. مؤلف افتخاری فردی است که یا نقشی در تولید اثر منتشرشده نداشته یا نقشش بسیار کمتر از آن بوده که به عنوان نویسنده همکار معرفی شود، اما بنا به ملاحظاتی نام او در میان اسامی نویسندگان اثر ظاهر شده است. در مورد نویسنده شیخ یا سایه قضیه کاملاً برعکس است؛ به این معنا که نویسنده شیخ پدیدآور اصلی اثر است، اما بنا به دلایلی هیچ اسمی از او برده نمی‌شود. هرچند استفاده از نویسندگان شیخ در تنظیم سخنرانی‌های مقامات بلند پایه سیاسی مرسوم است، در نگارش علمی از مصادیق بی‌اخلاقی است. زیرا نویسندگان آثار علمی از امتیازهایی برای انتشار این آثار برخوردار می‌شوند که اگر این آثار واقعاً محصول فکر و اندیشه آنان نباشد، آنگاه برخورداری از این امتیازها هیچ توجیه اخلاقی ندارد.

در ادامه این بخش بحث «استناد» مطرح شده، که یکی از مباحث عمده در رعایت اخلاق علمی است. در شروع این



**ویرایش امری است
که پس از نگارش اثر
و داوری آن به منظور
رفع ناهمواری‌های
صوری و محتوایی اثر
و در جهت بهینه‌سازی
فرایند ارتباط صورت
می‌گیرد. بنابراین،
ویراستار می‌کوشد**

**بدون برهم زدن
ساختار هویتی یک
اثر، ناصافی‌های آن را
بزداید و لغزش‌های
احتمالی مؤلف را
مرتفع سازد**

ارزیابی یافته‌های علمی از لحاظ نوآوری، برجستگی و اصالت است که توسط افراد صاحب صلاحیت صورت می‌گیرد. در ادامه، نویسنده به تبیین اهمیت داوری و انواع سوگیری و خطا در این زمینه می‌پردازد، و به داوران توصیه می‌کند که به‌جای توجه به «کیستی مؤلف اثر»، به «چیستی ساختار و محتوای اثر» توجه کنند. سپس، مهم‌ترین معیارهای ارزیابی آثار علمی که در ساختار و محتوای اثر منعکس می‌شوند، مورد بررسی قرار می‌گیرند و فهرستی از ویژگی‌های داروان متخصص و منصف ارائه می‌شود، که از آن جمله می‌توان به آشنایی داور به اصول و مبانی روش پژوهش، توجه هم‌زمان به نقاط قوت و ضعف اثر، و امانت‌داری اشاره کرد.

در ادامه، بحث سردبیری و ویراستاری مطرح شده است، و مؤلف با اشاره به نقش ویژه سردبیر او را مرکز ثقل فعالیت‌های مجله می‌داند و به تشریح وظایف خطیر سردبیر می‌پردازد. پس از آن، در تبیین نقش ویراستار در صفحه ۴۴ کتاب می‌خوانیم: «ویرایش امری است که پس از نگارش اثر و داوری آن به منظور رفع ناهمواری‌های صوری و محتوایی اثر و در جهت بهینه‌سازی فرایند ارتباط صورت می‌گیرد. بنابراین، ویراستار می‌کوشد بدون برهم زدن ساختار هویتی یک اثر، ناصافی‌های آن را بزداید و لغزش‌های احتمالی مؤلف را مرتفع سازد». در ادامه، مؤلف به ویراستاران توصیه می‌کند حقوق نویسندگان و خوانندگان را رعایت کنند، و از تغییرهای سلیقه‌ای و غیرضروری در آثار بپرهیزند و به خاطر داشته باشند که وظیفه آنان بهبود ساختار آثار و تسهیل فرایند انتقال اندیشه از نویسنده به خواننده است.

بخش دوم کتاب از صفحه ۴۷ آغاز می‌شود، که خود

بحث نویسنده با استناد به کتابی با عنوان بینامتنیت (آلن، ۱۳۸۰) به «نظریه بینامتنیت» اشاره می‌کند، که در آن هر متنی بافته‌ای از پاره‌های متون پیشین است و هیچ اندیشه‌ای گسسته از اندیشه‌های پیشین نیست و این پیوند میان آثار دیروز و امروز با استناد مشخص می‌شود. سپس، نویسنده انواع خطاها را در استناد که منجر به فریبکاری‌های^۷ متعدد از جمله «سرقت علمی و ادبی»^۸ می‌شود، مطرح می‌کند؛ استفاده از سخن و اندیشه دیگران بدون ذکر ماخذ با این نیت که آن اندیشه را به خود نسبت دهیم، انواع خطاهای عمدی و سهوی در خلال نقل قول از آثار دیگران، حذف برخی منابع در زنجیره استناد، استنادهای سفارشی و موارد مشابه در این مقوله قرار دارند. در ادامه، نویسنده با اشاره به «نشر حشو یا افزونگی»^۹ و «نشر مکرر»^{۱۰} به معرفی یکی دیگر از بی‌اخلاقی‌ها در عرصه تولید علمی اشاره می‌کند. هرگاه بخشی از یک اثر منتشر شده یا کل آن دوباره و به عنوانی اثری جدید منتشر شود، نشر مکرر رخ داده، که در صفحه ۲۹ کتاب شش دلیل برای اخلاقی نبودن این شیوه ذکر شده است، که عبارتند از: نقض حقوق مالکیت معنوی، اتلاف وقت داوران و خوانندگان، تورم بی‌حاصل در حجم انتشارات، ایجاد نوعی واگرایی در میان داده‌های واحد، بزرگنمایی و تأکید بیهوده بر یافته‌های یک پژوهش با نشر دوباره آن، و در نهایت ارائه نوعی فراتحلیل ناقص.

سرانجام، بخش نخست کتاب با طرح مسئله داوری، سردبیری و ویراستاری به پایان می‌رسد. در صفحه ۳۱ در تعریف داوری می‌خوانیم: «داوری که به ویژه در مجلات علمی با عنوان داوری هم‌ترازان شناخته می‌شود، به مثابه

کتاب اخلاق انتشارات علمی می تواند منبع مفید، مختصر و مناسبی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی باشد تا به دانش خود را درباره ملاحظات اخلاقی در نگارش علمی ارتقاء بخشند

شامل چهار قسمت است. در ابتدای این بخش نویسنده با استناد به اثری که ۲۷ سال پیش از انتشار کتاب حاضر تألیف کرده است (حرّی، ۱۳۶۳)، به تبیین بیشتر آن اثر و توصیف دیدگاه‌های ابن‌خلدون درباره مفهوم تألیف و اخلاق در نگارش می‌پردازد. جالب است که گویا مسائل و دشواری‌های مربوط به نگارش علمی به درجاتی در زمان ابن‌خلدون در قرن هشتم هجری نیز وجود داشته که در آثار وی منعکس شده است. مثلاً در صفحه ۴۸ کتاب نقل قولی از وی آمده است که در آن به فزونی انتشارات در آن زمان اشاره می‌شود: «از چیزهایی که به مردم در راه تحصیل دانش و آگاهی بر غایت و نهایت آن زیان رسانیده فزونی تألیفات است، و حال آنکه دانشجو اگر بخواهد کتبی را که در یک صنعت نوشته شده است به تنهایی مورد بحث و تحقیق قرار دهد عمر او وفا نمی‌کند و عاجز می‌ماند».

سه قسمت پایانی بخش دوم کتاب همچون پیوستی بر بخش‌های اصلی کتاب به شمار می‌آید. پیوست نخست، منشور اخلاق در انتشارات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران است. پیوست دوم، گزیده‌ای از اخبار خبرگزاری‌ها و وبگاه‌ها درباره موارد بی‌اخلاقی علمی است. در نهایت پیوست سوم، نظر برخی از اهل علم درباره بی‌اخلاقی‌های علمی است. سرانجام، کتاب با فهرست منابع و ترجمه انگلیسی پیشگفتار و ترجمه فهرست مندرجات به پایان می‌رسد.

امتیازها و کاستی‌ها

کتاب اخلاق انتشارات علمی به چند دلیل اثری سودمند است. نخست آنکه نثر روان و شیوای نویسنده خواننده را تا پایان با خود همراه می‌سازد و متنی پربار و هموار در اختیار او قرار می‌دهد؛ متن استوار و منسجمی که کمترین نشانی از اطّاب و پیچیدگی غیرضروری در آن دیده می‌شود. امتیاز دیگر این اثر ایجاز و اختصار آن است که در کمترین حجم ممکن اطلاعات جامع و وسیعی در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

البته در کنار تمام امتیازهای این اثر، اشکالاتی جزئی نیز در آن وجود دارد که در اینجا به مواردی اشاره می‌شود تا در صورت صلاح‌دید نویسنده در ویرایش‌های بعدی مورد توجه قرار گیرد. نخست آنکه، قسمت‌های پایانی بخش دوم کتاب که به برگزیده‌ای از اخبار خبرگزاری‌ها در زمینه تقلب‌های رخ داده در انتشارات است، نیاز به توضیح و تفسیر نویسنده اثر دارد؛ زیرا خواننده امیدوار است دیدگاه ایشان را درباره این اخبار بداند و از دلایل ذکر آنها در این اثر آگاه باشد. به سخنی دیگر، پیوست‌های این بخش فقط گزیده‌ای از چند خبر و مصاحبه است، بی‌آنکه نویسنده سهمی در تحلیل و تفسیر آنها داشته باشد. به همین دلیل نوعی گسستگی بین این مطالب با بدنه اصلی کتاب مشاهده می‌شود. نکته دیگر وجود مواردی از اشتباهات تایپی است، که نشان از کمی

شتاب‌زدگی در انتشار اثر حاضر دارد. مثلاً در صفحات ۵، ۲۵ و ۸۵ نمونه‌هایی از این موارد دیده می‌شود. همچنین، نبود نمایه نیز از دیگر کاستی‌های این اثر است، که با توجه به حجم مختصر کتاب با صرف وقت اندکی امکان تدوین آن وجود داشته است؛ شاید هم ناشر اثر به دلیل موجز بودن این اثر آن را از وجود نمایه بی‌نیاز دانسته است.

نتیجه‌گیری

کتاب اخلاق انتشارات علمی می‌تواند منبع مفید، مختصر و مناسبی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی باشد تا به کمک آن بتوانند دانش خود را درباره ملاحظات اخلاقی در نگارش علمی ارتقاء بخشند، و این دانش را در فرایند پژوهش و تألیفات آتی خود به کار گیرند؛ به ویژه آنکه در سال‌های اخیر یکی از شرایط لازم برای فراغت از تحصیل در برخی از دانشگاه‌ها، انتشار مقاله مستخرج از پایان‌نامه است و دانشجویان بسیاری از رشته‌ها ناگزیر از تدوین مقاله هستند. آنان در این مسیر به آگاهی از اصول اخلاق نگارش نیاز دارند، و مطالعه این کتاب می‌تواند برایشان بسیار راهگشا و آموزنده باشد. در پایان، امید است انتشار این اثر و آثار مشابه در زمینه اخلاق علمی گامی در راستای توسعه اخلاق علمی در بازار نشر کشور باشد و هر روز شاهد پایبندی بیشتر نویسندگان و پژوهشگران به این اصول باشیم.

پی‌نوشت‌ها

1. mansourian@tmu.ac.ir
2. Co-authorship
3. International Committee of Medical Journal Editors (ICMJE) <http://www.icmje.org/>
4. Honorary Author
5. Ghost Author
6. Citation
7. Academic Dishonesty
8. Plagiarism
9. Redundant Publication
10. Duplicate Publication

مآخذ

- آلن، گراهام (۱۳۸۰). «بینامتنیت»، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- حرّی، عباس (۱۳۶۳). «نظر ابن‌خلدون در باب تألیف»، نشر دانش، دوره ۴، صص ۲۷ - ۲۰.
- حرّی، عباس (۱۳۸۸). «آیین نگارش علمی»، تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، چاپ پنجم.